

یادداشتی بر نقد یونس تراکمه درباره کتاب «تار و پود و هنوز…»

خدمت یا خیانت؟

◄ **علی‌اکبر صامری**

یادداشتی بر نقد یونس تراکمه درباره کتاب «تار

و پود و هنوز…» نوشته دکتر علی‌اکبر صامری (پنجشنبه ۱ مهرماه ۱۳۸۹)

کتاب مستطاب «در خدمت و خیانت روشنفکران» اثر ماندگار زنده‌ای جلال آل‌احمد بیش از آنکه ما را هوشیار و آگاه به خدمات گذشتگان کند، آگاه و هوشیار به خیانت‌هایشان کرده‌است، که با کمی دقت و تیزبینی ملاحظه می‌شود، حتی اگر خیانتی هم به آنان نسبت داده شده در مقابل خدمات ارزنده‌ای که انجام داده‌اند باید منصفانه مورد ارزیابی قرار گیرند. در این زمینه شایسته است که امروز زنگار از رخسار تابلوهای تیره آنان برگرفته شود و با روشنی و شفافیت به تماشای برده‌های مه‌گرفته ایستاد. در اینجا قصد من نقد کتاب و افکار و اندیشه‌های زنده‌یاد آل‌احمد نیست بلکه تأکید بر کلمه «خیانت» است که امروزه بر زبان‌ها جاری است و گاهی دامن انسان‌هایی را می‌گیرد که در این آب و خاک زندگی و کار و تولید می‌کنند.با این مقدمه به مقاله فاضلانه یونس تراکمه در نقد کتاب «تار و پود و هنوز …» نوشته اینجناب می‌پردازم. باید اذعان کرد که تراکمه با نقد

موشکافانه‌اش به‌راستی سوالات مهمی را مطرح کرده که فراتر از کتاب تار و پود است و نیازمند اندیشیدن، گفت‌وگو و به اصطلاح گفت‌مان است مانند مقایسه آموزش در دانشکده ادبیات و دانشکده هنرهای زیبا رشته معماری، مساله مدرنیته و مدرنیزاسیون و تأثیرات متقابل‌شان بر روی هم، هویت و بی‌هویتی در فضای شهرها و معماری ما، چگونگی نگاه به گذشته و استفاده از آن، نملهای شیشه‌ای و پرده‌ها و پارچه‌های پوشاننده آن، همگی مباحثی هستند که ای کاش بین فرهیختگان و دلسوزان جامعه و نه فقط بین متخصصان، در گیرد و باشند تخم آگاهی بین مردم طبقه متوسط و جامعه نوپای مدنی ما باشد. آنچه در مقاله آقای یونس تراکمه سوال‌برانگیز بود استفاده از واژه کذابی «خیانت» بود که عنوان کتاب آل‌احمد را در اذهان زنده می‌کند. تا آنجایی که شمردم در این نقد چهار بار این کلمه تکرار شده است؛ نخست در سرتیتر مقاله، سپس به عنوان خیانت امروزیان در مقابل خدمات عظیم معماران گذشته، بعد به عنوان خیانت حاصل از مدرنیزاسیون، بار دیگر خیانت به علت نازل بودن آموزش معمارى امروز، به‌رغم باریک‌بینی و زرف‌نگری نویسنده مقاله، تکرار کلمه خیانت آن هم برای معمارانی که مسلما تحصیلکرده

به مناسبت انتشار دو کتاب فلسفه برای کودکان *

چگونه می‌توان کودکان اندیشمند داشت



فلسفه برای کودکان یا **p4c** شیوه‌ای است برای آشنا کردن کودکان با تفکر خلاق و نقدهای اخلاقی. پدیدآورندگان این روش بیشتر مایل بودند برنامه‌های فلسفه‌برای کودکان یا بحث‌هایی که به نام گفت‌وگوی سقراطی مشهورند به پیش رود به همین دلیل این روش بیشتر به شکل گفت‌وگو و بحث‌های آزاد بین شاگردان پیش می‌رود و معلم یا برگزار کننده کلاس



گروهی از کودکان در حال شرکت در یک جلسه فلسفه برای کودکان (P4C)

بیشتر می‌کوشد به جای اینکه خود را همه‌چیزدان و داور نهایی قرار دهد در جایگاه اداره‌کننده بحث بنشینند تا مثلاً بحث‌های دانش‌آموزان به بحث‌های دونفره تبدیل نشود یا اتوریته جمع نظر مخالف را حذف نکنند. در این روش به جای اینکه به کودکان و نوجوانان اطلاعات خورانده شود، تلاش بر این است که آنها نحوه تفکر صحیح را بیاموزند تا بتوانند در مراحل مختلف زندگی کاری یا شخصی از آن بهره گیرند. چندی است که فلسفه برای کودکان در ایران هم علاقه‌مندیانی پیدا کرده و کتاب‌هایی در این زمینه تألیف و ترجمه شده است و کارگاه‌هایی به شکل مستقل یا در جنب همایش‌های فلسفی به این موضوع اختصاص داده می‌شود.دو نمونه از کتاب‌هایی که به تازگی در این زمینه منتشر شده است کتاب «فلسفه در کلاس درس» به قلم ران شاو یا ترجمه حسن سالاری و «باشگاه فلسفه برای کودکان» به قلم کریستوفر فیلیپ و ترجمه الهام فخرایی است. هر دو این کتاب‌ها برای مربی کلاس‌های فلسفه برای کودکان نوشته شده‌است. این کتاب‌ها برنامه‌ای است که مربی بر اساس آنها باید کلاس را به پیش ببرد. در ابتدای کتاب فلسفه در کلاس درس بحثی کوتاه به این امر اختصاص داده شده است که چرا باید فلسفه را به کودکان آموزش داد. در این بخش نویسنده از مزایای آموزش فلسفه به کودکان سخن گفته است که به اختصار این مزایا عبارت است از: افزایش توانایی منطقی و شناختی کودکان، پروراندن مهارت کنجکاوی در کودکان، یادگیری چگونگی استفاده از استدلال در بحث‌های علمی و رشد شخصی کودک. اما نویسنده نکته مهمی را در این فصل یادآوری می‌کند و آن این است که کتاب بر آن نیست نظریه یا دیدگاه ویژه‌ای را به کودکان تلقین کند و فقط در پی استدلال خوب و پرسیدن و احترام گذاشتن به نظر مقابل است. این نکته‌ای است که باید در مورد آن کمی دقیق بود. اول آنکه همین احترام گذاشتن به دیگران و پرسشگر بودن ایده‌ای فلسفی است که در کتاب‌های فلسفه برای کودکان تبلیغ می‌شود. گذشته از اینکه این شیوه‌ای است درست اما

نگاهی به مجموعه داستان «تا دوشنبه دیگر» نوشته غلامحسین دهقان

سایه نخستین کلمات

متناصل نگاهش می‌کنند.» (ص۱۵) نویسنده شش سطر را یک نفس به پیش می‌برد و خواننده‌اش را در سرنوشت «میم الف زاد» خلق‌اوز می‌کند. خواننده می‌ماند و «میم الف زاد»ی که معلوم نیست چرا و چگونه دمر کف خیابان افتاده و به قول راوی «آخرین تهمانده‌های حیات» را از گوشه چشم خرج می‌کند؛ شخصیتی که به سرعت، تار و پودش در چند کلمه خلق شد و با چند کلمه دیگر به آخر زندگی رسید. شروع داستان نطفه شخصیتی را می‌گذارد که صداپتنه هنوز با شخصیت– به معنای ساخته و پرداخته‌شده داستانی فاصله زیادی دارد؛ شاید هم فاصله‌ای به کوتاهی خویش ادامه داستان. شش سطر اول، داستان را یک‌نفس و بدون نقطه‌گذاری پایان جملات به جلو می‌برد و با اولین مکتب– پایان پاراگراف– خواننده خود را اسیر داستان می‌بیند.او در دنیای دیگری گرفتار آمده‌است؛ دنیای کلمات غلامحسین دهقان. در ادامه، فرم روایت و گونه خاص به کارگیری زبان که خونسرد و بی‌طرف و بی‌احساس روایت می‌کند، داستانی پدید آورده که با وجود سادگی زبانی، ساده و تکراری بودن موضوع و ژانر، بسیار تلخ، لذت‌آور و ماندگار در ذهن است. تکنیک انتقال زمان و نیز پیشبرد روایت‌هاش؛ با اگر این طور است بهتر نیست قبل از اینکه شمارش به صفر برسد و چوب‌خط عمر آقای میم الف زاد بر شود، کمی به عقب برگردیم؟» (ص۱۶) بازگشت به زمان قبل از روایت حاضر، تنها با یک پرسش ساده صورت می‌گیرد. دهنر، بسیار خاص و موضوع و درونمایه‌ای می‌کند و نشان می‌دهد که صحبت راوی با خواننده



تعبیری جنوبگان همچون مکان‌هایی که در جهان آن روز گود افتاده بودند، آب جاری شده از فرنگ به طور طبیعی در آنها جریان پیدا کرده است. حال تأثیرات این آب می‌توانست مخرب یا سازنده باشد ولی ابزار موثری در دست نبوده که جلوی این جریان گرفته شود. در روزگار آن گذشته شرق دوران شگوفایی خود را می‌گذراند و بر غرب تارک نورافشانی می‌کرد و در سده‌های اخیر عکس آن جریان اتفاق افتاده که این



رفت و برگشت‌ها از بدیهیات تاریخ است. در ضمن هیچ گاه این جریان به صورت یکطرفه نبوده بلکه همرزمانی آن را هم‌اکنون نیز می‌توان دنبال کرد. چنانچه امروزه به خاطر گسترش شگرف ارتباطات جهانی دیگر شرق و غرب به عنوان دو سپهر جدا از هم مطرح شده‌اند بلکه هر دو شاهد اثر گذاری این دو روی هم هستند که امروز است جهان رنگینی براساس عقلانیت جمعی بنا شده.



آگاهی از الزامات و زمینه‌های فکری آن می‌تواند به تدوین برنامه‌هایی برای گسترش این روحیه کمک کند. گذشته از این موضوع داستان‌هایی که در کتاب «فلسفه در کلاس درس» برای کار انتخاب شده است دارای جهت‌گیری‌های مشخص ارزشی است. برای مثال در داستان خرگوش‌ها و قورباغه‌ها که موضوع آن مهربانی است و پیام داستان این است که «همیشه کسی بدتر از شما نیز هست» به وضوح از ایده رضایت از وضع موجود و محافظه‌کاری فلسفی و اجتماعی دفاع شده است. هر بخش این کتاب شامل یک داستان، یک پیام داستان و چند پرسش برای فکر کردن و سرفصل‌هایی برای مباحثه آزاد و همچنین مثل‌هایی از فرهنگ‌های مختلف درباره موضوع است.

کتاب «باشگاه فلسفه برای کودکان» ساختاری ساده‌تر اما نقش‌هایی گریزات دارد. تصویرهای زنده کتاب را به کتابی جذاب تبدیل کرده است. اهداف این کتاب نیز مانند کتاب قبلی پرورش قدرت



فضای داستان حکایت از کهن‌الگوها دارد. شخصیت فضائی که کارمند مجموعه دخت جمشید است، قصد دارد در شرب مراسم نور و صدا، با استفاده از شلغوی، دست به تیشه برد و نیلوفر دوازده گلبرگ نشان هخامنشی را از دل سنگ بیرون آورد. غافل از اینکه دستنی، پیچکی– نگهبان ایران‌زمین– از دل سنگ بیرون می‌خزد، چنبره‌اش می‌زند و او را سنگ می‌کند و می‌بلعد. در توجیه به مکان و فضای داستان، استفاده از نثری که مناسب برای چنین داستانی باشد و بتواند خواننده را با اسطوره‌ها درهم آمیزد، نه نثری نیست. گرچه نویسنده سعی کرده با نثری مناسب بنویسد، اما گرفتار تشبیه و استعاره‌های کلیشه‌ای شده است. مثلاً «نگار جایی حوالی ویرانه، لحاف شب سپ زده می‌شود.» (ص۱۰) «درخت‌های سنگی میوه سکوت می‌دهند.» (همان) داستان «زن پشت شیشه» روایتگر همان شوخ‌منی و اسارت زن است در داستان بدگمان شوهری شکاک که از ترس نگاه نامحرم، شیشه‌های خانه را با روزنامه پوشانده و زن را اسیر خانه کرده است. عاقبت هم سرنوشت زن گره می‌خورد در سرنوشت زن دیگری که توسط شوهرش به قتل رسیده و حالا تبدیل به یک عکس و خبر شده است. در روزنامه چسبیده به شیشه نویسنده توانسته است ماجراها را خوب به هم جفت و جور کند و داستان گیرایی از دل آن بیرون بکشد. با وجود اینکه نویسنده در انتقال از یک صحنه به صحنه‌ای دیگر در زمانی دیگر معمولاً گذشته) موفق بوده است، اما شوربختانه توانسته هماهنگی و یکدستی شیوه انتقال را به دست دهد. در نیمه اول داستان، انتقالی باواسطه و غیرمستقیم بیان شده است: «زن در مرد

نام شخصیت «میم الف زاد» چندنان متجانس و خوش ترکیب نیست. «میم» و «الف» از حروف الفبا هستند. اما «زاد» معمولاً به عنوان پسوند نام‌خانوادگی به کار می‌رود و حتماً منظور نویسنده «هن» که خواننده می‌شود «ضاد» نبوده‌است. «فیلوفر و سنگ» داستانی است با طرخی بسیار خاص و موضوع و درونمایه‌ای می‌کند که کمتر نویسنده‌ای به سراغ آن رفته است.

نگاهی به «تاریخ جهان» نوشته ارنت گامبریج

به آینده امیدوار باشیم

«دوست دارم تأکید کنم که این کتاب به عنوان جایگزینی برای کتاب‌های تاریخی‌ای که در مدارس تدریس می‌شود، نیست و نخواهد بود، چراکه آنها در خدمت اهدافی کاملاً متفاوتند. من قصد دارم خوانندگانم در آramش باشند و تاریخ را بدون نیاز به ن‌تبداری از اسامی و تاریخ‌ها دنبال کنند. همچنین قول می‌دهم از شما درباره آنها نپرسم!»

جملات بالا برگرفته از دیباچه نسخه ترکی کتاب «تاریخ مختصر جهان» نوشته «ارنت گامبریج» است. عمده شهرت این نویسنده اتریشی به واسطه نگارش کتاب «تاریخ هنر» است؛ کتابی جامع که به منظور تدریس آکادمیک و به سال ۱۹۵۰ نوشته شده است. «گامبریج» در «تاریخ جهان» که عنوان اصلی‌اش «تاریخ مختصر جهان برای جوانان» است قصد تاریخ‌نگاری متعدهانه ندارد. این کتاب توسعه‌زدگانی بشر از زمان انسان غارنشین تا پیامدهای جنگ جهانی اول را به ترتیب تاریخی بازگو کرده است. در کتاب برخی عقاید و مذاهب نظیر اسلام، مسیحیت، یهودیت، هندو و بودا بررسی شده و نویسنده این بررسی و شرح‌ها را در قالب حکایات و داستان‌هایی از افراد و وقایع تاریخی گنجانده است.

«گامبریج» در این کتاب به دنبال نام‌ها و سه‌سال‌های دقیق نیست بلکه خود را در قامت یک راوی که تنها بازگوکننده وقایع تاریخی با زبانی ساده

 		
تاریخ جهان		
ارنت گامبریج		
ترجمه: علی رامین		
نشر: نی		
چاپ اول: ۱۳۸۹		
قیمت: ۶۸۰۰ تومان		

مکاتبات «گامبریج» با یکی از آشنایان نوجوانش است که از او درباره رساله دکترایش سوالاتی می‌پرسید.

«گامبریج»– حین پاسخ دادن به این نوجوان دست به تجربه‌ای جدید می‌زند و تاریخ را با زبانی قابل فهم برای کودکان و نوجوانان می‌نویسد. از نظر او بچه‌های باهوش می‌توانند وقایع به ظاهر پیچیده تاریخی را درک کنند، اگر تاریخ با اصطلاحات قابل فهم برای آنها تعریف شود. این کتاب با نظر «گامبریج» مدخلی است که نوجوانان و جوانان را با تاریخ زندگی بشر آشنا می‌کند و درپهای می‌شود برای مطالعات جدی‌تر و کامل‌تر. «گامبریج» در فصول مختلف کتاب به عنوان راوی وارد متن می‌شود و گویی خاطراتش را تعریف می‌کند. او در مواجهه با حقایق تاریخی با زبانی نرم و بدون موضع‌گیری حوادث را شرح می‌دهد و شادمانه از دستاوردهای علمی و ادبی اعراب پس از اسلام تمجید می‌کند. «دو چیز وجود دارد که من به ویژه از بابت آنها سپاسگزار اعراب؛ نخست قصه‌های دل‌انگیزی که ابتدا سینه‌به‌سینه نقل می‌شده و سپس تحریر شده است و اکنون می‌توانید آنها را در کتاب هزار و یک شب بخوانید. دومین چیزی که حتی از قصه‌های هزار و یک شب هم شگفت‌انگیزتر است…» نظام نگارش اعداد است.»

از نظر «گامبریج» ابداع عددنویسی و چیدمان از چپ به راست و نحوه دسته‌بندی دهگان و صدگان، خدمت بزرگ اعراب به غرب و بشریت بوده است. «گامبریج» از عدم وجود کشورهای مستقلی چون «آلمان» و «ایتالیا» تا اواسط قرن نوزدهم می‌گوید: «من افراد زیادی را می‌شناسم که قبل از به وجود آمدن آلمان و ایتالیا کودکان خردسالی بودند.» شاید به دلیل همین نوع نگاه به تاریخ است که کتاب او در زمان سلطه نازی‌ها و به دلیل «صلح‌طلبی بیش از اندازه» در لیست کتب ممنوعه قرار گرفت و جمع‌آوری شد.

نسخه نخست کتاب در ۳۹ فصل نوشته شده بود اما «گامبریج» در اواخر عمر خود به بازخوانی این کتاب پرداخت و فصل چهارم را به آن اضافه کرد؛



فصلی که حاصل رودررویی مستقیم او با مسائل تاریخی بود، زیرا او در جنگ جهانی اول ۹ سال بیشتر نداشت و از همین رو کتاب او صرفاً محصول مطالعات تاریخی وی بوده نه بر اساس مشاهدات عینی. اما فصل چهارم این کتاب حاصل دیدن جنگ جهانی دوم، ظهور و سقوط کمونیسم و همچنین بمب اتم است. «گامبریج» در فصل چهارم پس از مذمت فاشیسم و بازگو کردن ویرانی ناشی از حمله اتمی آمریکا به هیروشیما و ناکازاکی در جریان جنگ جهانی دوم، به تمجید از «ماشینیسیم» قرن بیستمی می‌پردازد. او افزون شدن میزان تولید و به نوعی تولید انبوه را مایه کم شدن گرسنگان جهان می‌داند. از طرفی اذعان می‌دارد که هنوز در آفریقا و بخش‌هایی از آسیا گرسنگی عامل مرگ و میر انسان‌هاست. وی پس از اشاره به فروپاشی شوروی و اتحاد دو آلمان سوالی مطرح می‌کند؛ آیا امروزه به عصر طلایی وارد شده‌ایم؟ و با تحلیل‌هایی پاسخ می‌دهد: «حق داریم به آینده‌ای بهتر امیدوار باشیم.»

«طاف کتابی»

خنده‌گزنده

 		
آیرونی		
داگلاس کالین موکه		
ترجمه: حسن افشار		
نشر: مرکز		
چاپ اول: ۱۳۸۹		
قیمت: ۲۸۰۰ تومان		

مکتب‌های ادبی، انواع ادبی و برخی ویژگی‌های سبکی می‌پردازند. «آیرونی» به لحاظ ادبی، به معنی ربا، تقیه و فریبکاری است. «سیماد» در «فرهنگ اصطلاحات ادبی» می‌نویسد: «آیرونی» را این‌گونه تعریف می‌کند: «به معنی عام، صنعتی است که نویسنده یا شاعر، به واسطه آن، معنایی مغایر با بیان ظاهری در نظر دارد.» اما «آن تامپسون» با استفاده از «آیرونی»، آیرونی را تعریف می‌کند. از نظر او «آیرونی فقط زمانی آیرونی است که ترکیبی از درد و خنده تولید کند.» خنده‌ای گزنده، از این رو «آیرونی» با طنز در ادبیات فارسی نزدیکی‌هایی دارد. در «آیرونی» احساس‌ها با هم برخورد می‌کنند. در جلوه‌های ادبی «آیرونی» هم احساسی است و هم عقلانی. به هر حوزه معرفت، عرصه وسیعی برای «آیرونی» کلی وجود دارد، زیرا بین شوق دانستن همه چیز و عدم امکان دانستن همه چیز تناقضی اساسی هست. دست‌کم در غرب، شوق دانستن همه چیز تبدیل به تعهد دانستن همه چیز شده است.

یک «آیرونی» کلی در بسیاری تعارض‌های بنیادین و لاینحل وجود دارد که زندگی در برابر ما می‌گذارد و در مورد آنها ما فقط می‌توانیم بگوییم هم له و هم علیه هر دو سو بسیار می‌توان داد سخن داد.